



فصلنامه اقتصاد کاربردی
دوره ۱۲، شماره ۴۳، زمستان ۱۴۰۱

مروری بر نحوه اثرگذاری سیاست‌های مالی (کوتاه مدت) بر اقتصاد واقعی در الگوهای اقتصاد کلان

مهناز حسین پورا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

DOI: 10.30495/JAE.2023.70585.1447

چکیده:

سابقه و هدف: در ایران به پژوهش در زمینه نحوه اثرگذاری سیاست‌های مالی در الگوهای اقتصاد کلان کمتر توجه شده است. تحقیقات محدود انجام شده نیز هریک الگوی خاصی از این مسئله را بررسی کرده‌اند و تحقیقاتی که همه الگوهای موضوع را هم‌زمان بسنجد توسط محقق یافت نشد. لذا توجه به این مهم، محقق را بر آن داشت تا مطالعه حاضر را با هدف مروری بر اثرگذاری سیاست‌های مالی در الگوهای اقتصاد کلان انجام دهد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه، مروری روایتی می‌باشد. معیار ورود مطالعات در این مقاله شامل مقالاتی می‌باشند که بیشترین ارتباط را با موضوع داشتند. لذا پایگاه داده‌ها با کلید واژه‌های مرتبط استفاده شده و تمام مستندات که به طور مستقیم به بررسی موضوع پرداخته بودند وارد مطالعه و مقالاتی که به طور غیرمستقیم به موضوع مورد بحث پرداخته بودند از مطالعه خارج شدند.

یافته‌ها: پس از خارج کردن مقالات مرتبط، اثرگذاری کوتاه مدت سیاست‌های مالی بر اقتصاد واقعی در هر یک از الگوهای اقتصاد کلان بررسی شد که در همین راستا بدلیل اهمیت فرضیه نئوریکاردویی (NRH) در بحث‌های پیرامون اثربخشی سیاست‌های مالی، با بهره‌گیری از آن، نحوه تأمین مالی سیاست‌های مالی (اوراق قرضه و پول نقد) و اثرگذاری آن بر سیاست‌های مالی و در نتیجه بر اقتصاد واقعی در هر یک از الگوها مورد بررسی دقیق‌تر و مقایسه قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: مرور این مطالعات نشان داد که الگوهای نئوکینزی، پست کینزی و پول‌گرایان می‌توانند به عنوان مدل کینزی یک رویکرد متداول کینزی (تقاضای کل) را و الگوهای کلاسیک، کلاسیک جدید و کینزی جدید می‌توانند همه به عنوان مدل کلاسیکی یک رویکرد کلاسیکی را برای تعیین تولید به اشتراک می‌گذارند. لذا با توجه به اهمیت نتایج حاصل می‌توان گفت الگوهای اقتصاد کلان را باید در بحث سیاست‌های مالی در اولویت قرار داد.

کلمات کلیدی: سیاست مالی، کینزی، پست کینزی، کلاسیک، کلاسیک جدید و کینزی جدید.

طبقه بندی JEL: E6, E62, H3.

^۱ دکتری اقتصاد، مدرس مرکز آموزش عالی علمی کاربردی غیردولتی گروه صنایع غذایی شیرین عسل. ایمیل: mnzhoseinpur@yahoo.com

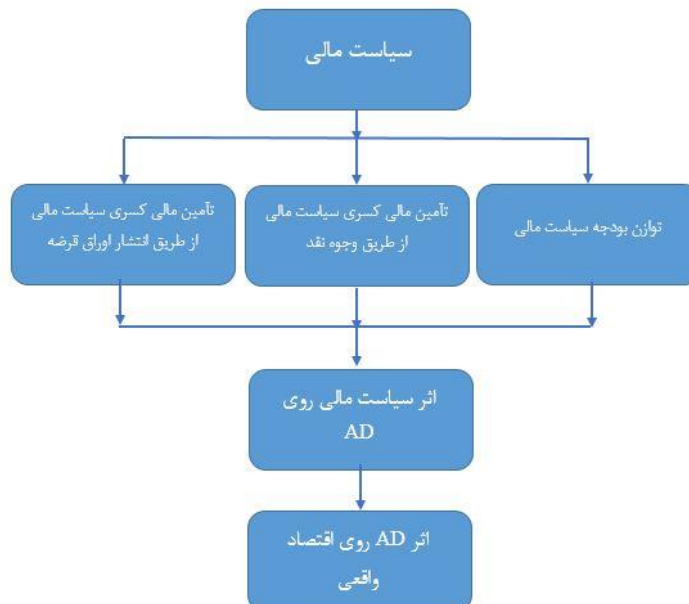


مقدمه

گرفتند که بحث اصلی آنها بر سر اندازه ضرایب فزاینده مالی بود. از آن زمان، بحث به مناطق دیگر نیز گسترش پیدا کرد. ترکیبی از اقدامات محرک‌های مالی، کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از رکود اقتصادی، و هزینه‌های تأمین سیستم‌های مالی باعث کسری بودجه شدیدی شد که به بدهی‌های عمومی دولت اضافه شد. بهبود و رشد آهسته تولید ناخالص داخلی، که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را وخیم‌تر می‌کرد، در بسیاری از موارد به روند منفی منجر شده بود. این اتفاقات باعث آغاز مرحله دوم از بحث‌ها در مورد پایداری بدهی بخش دولتی و توانایی بخش عمومی در بحران مالی شد (Reinhart and Rogoff, 2009). مقاله حاضر بر روی مرحله اول متمرکز می‌شود که اثربخشی اقتصاد کلان از سیاست‌های مالی در کوتاه مدت را مورد توجه قرار می‌دهد.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ و رکود اقتصادی همراه آن بسیاری از دولت‌ها را مجبور به اجرای سیاست‌های مالی کرد. در مقابل یک سقوط بی‌سابقه و ناگهانی تقاضای کل در پایان سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸، دولت‌ها به کاهش مالیات‌های اضطراری، یارانه‌های هدفمند و افزایش مخارج دولت در جهت حمایت از تقاضای کل (AD) و فعالیت اقتصادی در کوتاه مدت پرداختند. این اقدامات سیاستی توسط قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران در آمریکا (۲۰۰۹) صورت گرفت و اقداماتی که در قبال هدف مشابه بودند نیز در سطح جهانی از چین تا آلمان اعمال شد. این سیاست‌ها بلافاصله مورد انتقاد برخی از اقتصاددانان بویژه طرفداران مکاتب نئوکلاسیک و ادوار تجاری واقعی قرار

شکل ۱- نحوه اثرگذاری سیاست مالی



(Palley, 2012)

مالی روی AD است، در حالی که مرحله دوم نگرانی از تاثیر AD بر اقتصاد واقعی^۲ است. مقاله حاضر به بررسی چگونگی

شکل (۱) مسئله اثرگذاری را که شامل دو مرحله می‌باشد، نشان می‌دهد مرحله اول مربوط به تاثیر سیاست

رقابت دیدگاه‌های اقتصاد کلان (نئو کینزی^۳، پست کینزی^۴، مانیتاریست^۵، کلاسیک^۶، کلاسیک جدید^۷ و کینزی جدید^۸) می‌پردازد که اثرات اقتصادی تغییرات در AD را توضیح داده و بنابراین فضای سیاست مالی برای تأثیرگذاری بر فعالیت اقتصادی را قبول یا رد می‌کنند. اگرچه مرحله دوم تمرکز اصلی مقاله است، مرحله اول نیز اهمیت دارد، چرا که سیاست مالی بی‌اثر است اگر بر AD تأثیر نمی‌گذارد. نتیجه گیری اصلی این مقاله اثرگذاری کوتاه مدت سیاست مالی در الگوهای اقتصاد کلان است که تایید شده است، به همین دلیل سیاست مالی از طریق AD عمل می‌کند و تأثیر AD بر اقتصاد واقعی بستگی به دیدگاه‌های اقتصاد کلان دارد. نکته جالب این است که بحث سیاست مالی در نهایت یک بحث در مورد نظریه اقتصاد کلان است. بطوری که هیچ تئوری نظری کاملاً رضایت بخش نیست. مقایسه تئوری‌ها نقطه نظرهای انتقادی هر یک از آن‌ها مشخص می‌کند و سبب درک بهتر شده و به راهنمایی و بهبود سیاست‌ها کمک می‌کند. این بررسی‌ها به نیاز به پویایی در اقتصادها می‌پردازند و نظرات و ایده‌ها فقط با دلایل متقاعدکننده می‌توانند رد شوند.

روش تحقیق

این مطالعه، مروری روایتی برای اثرگذاری سیاست مالی بر اقتصاد واقعی در الگوهای اقتصاد کلان می‌باشد. معیار ورود مطالعات در این مقاله شامل مقالاتی می‌باشند که بیشترین ارتباط را با موضوع داشتند. در این مطالعه پایگاه داده‌های ScienceDirect، Google Scholar، Taylor & Francis، Web of Science، Scopus، ResearchGate، Springer، ScienceDirect و SID با کلید واژه‌های مرتبط نظیر «سیاست مالی، الگوی کینزی، الگوی پست کینزی، الگوی پول گرایان، الگوی کلاسیک، الگوی کلاسیک جدید و الگوی کینزی جدید، تأمین مالی سیاست مالی» و یا ترکیبی از آنها در پایگاه‌های فارسی زبان و از کلید واژه‌های «Fiscal Policy»، «Monetarist»، «Post Keynesian»، «Keynesian Policy»، «Keynesian New»، «New classical»، «Classical»، «Financed Fiscal Policy» در پایگاه‌های انگلیسی زبان استفاده گردید. برای این که مرتبط‌ترین منابع با موضوع پژوهش بازیابی شود، محدودیتی به غیر از نوع منبع (مقاله و

کتاب) در جستجو اعمال نگردید. به منظور دستیابی به مرتبط‌ترین منابع، از فهرست منابع مقالات بازیابی شده نیز استفاده شد. تمام مستندات که به طور مستقیم به بررسی اثرگذاری سیاست مالی بر اقتصاد واقعی در الگوهای اقتصاد کلان پرداخته بودند وارد مطالعه شدند. مقالاتی که به طور غیر مستقیم به موضوع مورد بحث پرداخته بودند از مطالعه خارج شدند.

۱- ادبیات نظری

یک مشکل عمده ارزیابی بحث در مورد اثرگذاری سیاست مالی، پیچیدگی موضوع است. اولین مشکل، تجزیه و تحلیل سیاست مالی بستگی به توصیف نظری اقتصادی دارد که در آن سیاست عمل می‌کند. این باعث می‌شود هر دو نظریه اقتصاد خرد و کلان مرتبط شوند. مشکل دوم تحلیل سیاست مالی است که به فرایند زمان بستگی دارد، چون با تحلیل‌های بلندمدت عوارض اضافی مرتبط با تغییر موجودی دارایی‌های واقعی و مالی ایجاد می‌شود. این پیچیدگی‌ها، پیش زمینه‌های نظری را برای تشریح بحث و تعریف دامنه آن اجباری می‌کند.

- کانال‌های اقتصاد خرد اثرگذاری سیاست مالی

تجزیه و تحلیل سیاست مالی معمولاً با اقتصاد کلان شناسایی می‌شود، اما سیاست مالی همچنین از طریق واکنش‌های عوامل فردی به سیاست‌ها، دارای کانال‌های اقتصاد خرد مؤثر نیز می‌باشد. این کانال‌ها راه‌های دیگری را برای سیاست مالی از طریق اثرات تقاضا و عرضه کل، فراهم می‌کنند. هر چند این اثرات در مرتبه دوم اهمیت نسبت به اثرات اقتصاد کلان هستند و از آنها متمایز می‌باشند. اما با توجه به تاکید بر الگوهای اقتصاد کلان مبتنی بر پایه خرد که در طول سه دهه گذشته مطرح شده‌اند، این کانال‌های خرد بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. با توجه به هزینه‌های دولتی، دو کانال اصلی اقتصاد خرد وجود دارد: کانال اول مربوط به مخارج دولت جهت سرمایه عمومی است که از طریق تابع تولید عمل می‌کند، بطوری که اگر سرمایه عمومی به تابع تولید کل وارد شود، افزودن سرمایه عمومی (یعنی هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولتی) می‌تواند بر هزینه‌های استخدامی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأثیر بگذارد (Aschauer, 1989). کانال دوم از طریق انتخاب مصرف خانوار که عملکردش از طریق تابع مطلوبیت می‌باشد. اگر مخارج دولت مکمل مصرف خانوار در نظر گرفته شود، مخارج

مالی بر سهام اوراق قرضه و موجودی پول تاثیر می‌گذارد. در نهایت، تحلیل بلندمدت، تاثیرات سیاست مالی بر نرخ رشد اقتصادی را در طول زمان بررسی می‌کند. بنابراین تکنولوژی، موجودی سرمایه و نیروی کار می‌توانند تغییر کنند (Barro, 1974).

– اقتصاد کلان مقدماتی

موضوع نهایی، که مقدمه‌ای برای موضوع اصلی مقاله است، مربوط به چارچوب اقتصاد کلان است که برای توصیف اقتصاد استفاده می‌شود. این پایه اساسی بحث در مورد اثرگذاری سیاست مالی به منظور انتخاب نظریه است که تعیین می‌کند آیا فضایی برای واکنش تولید به سیاست‌های ناشی از تغییرات در AD وجود دارد. علاوه بر این، مسئله این است که تجزیه و تحلیل سیاست‌های مالی به مدت زمان بررسی (کوتاه مدت، میان مدت، یا بلندمدت) مرتبط است.

– اقتصاد کلاسیک اقتصاد را به عنوان اقتصاد در سطح اشتغال کامل و بدون ظرفیت مازاد معرفی می‌کند که تولید (Y) برابر با تولید بالقوه (Y*) بوده و تقاضا (D) هم‌تراز با عرضه با تعدیل ترکیبی از دستمزد اسمی، قیمت‌ها و نرخ‌های بهره (واقعی و اسمی) بیان می‌شود، به طوری که

$$Y = Y^* = D$$

– اقتصاد کینزی اقتصاد را زیر سطح اشتغال کامل و دارای ظرفیت مازاد در اغلب زمان‌ها توصیف می‌کند. تولید برابر با تقاضا است، به طوری که ممکن است به میزان قابل توجهی کمتر از تولید بالقوه باشد، $Y^* > Y = D$.

– اقتصاد کلاسیک جدید که در دهه ۱۹۷۰ بر اقتصاد تسلط یافتند با اصلاح اقتصاد کلاسیک، نااطمینانی و انتظارات عقلانی را نیز به الگوی کلاسیک افزودند (البته در شرایط احتمالی مدل‌سازی شده) و بیان می‌کند اقتصاد همواره در تولید بالقوه است مگر اینکه موضوع شوک غیرمنتظره و اختلالات سیاسی بوجود آید.

– اقتصاد کینزی جدید که سی و پنج سال گذشته ظهور کردند. ویژگی‌های اساسی آنها عبارتند از: ترکیب رقابت ناقص و چسبندگی قیمت با الگوی کلاسیک جدید. (Blinder, 2008).

پیشچیدگی بحث در مورد سیاست مالی در جدول (۱) نشان داده شده است. چون با توجه به مطالب بیان شده، حتی پس از حذف اثرات موجودی دارایی میان مدت و اثرات اقتصاد

مصرف خصوصی را افزایش خواهد داد و اگر جانشین آن باشد، هزینه‌های مصرف خصوصی را کاهش خواهد داد. به منظور تفکیک اثرات اقتصادی و شناسایی تاثیرات خالص کلان اقتصادی، فرض می‌شود که مخارج دولت وارد تابع مطلوبیت خانوار نمی‌شود و سرمایه عمومی نیز هیچ تاثیری در بهره‌وری بخش خصوصی ندارد. (Bhatta and Drennan, 2003).

مالیات‌ها تأثیرات خرد مهمی از طریق اثر بر قیمت‌ها و درآمد نسبی دارند و همچنین از این جهت که آیا تغییرات مالی موقت یا دائمی است، اهمیت دارند. این تأثیرات انگیزشی مالیاتی اقتصاد خرد، بر تجارت و خانوار تاثیر می‌گذارد. با توجه به خانوارها، این تأثیرات مالیاتی بستگی دارد به اینکه آیا تغییرات مالیاتی در محدودیت نقدینگی خانوارهای ثروتمند مورد هدف قرار گرفته است یا خانواده‌های فقیر، چرا که میل نهایی به مصرف برحسب نوع خانوار متفاوت است. برای تفکیک و شناسایی اثرات خالص کلان مالیات، فرض بر این است که تمام مالیات‌ها یکجاست، به طوری که هیچ اثر تخصیصی یا انگیزشی ندارد و مالیات‌ها بصورت خالص می‌باشند که تنها بر درآمد تاثیر می‌گذارند (Aschauer, 1989).

– افق‌های زمانی و تأمین مالی سیاست مالی

سیاست مالی اثراتی دارد که ممکن است با افق زمانی متفاوت باشد، به طوری که تجزیه و تحلیل سیاست مالی نیاز به تمایز بین اثرات کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت دارد. تجزیه و تحلیل کوتاه مدت و میان مدت تاثیرات سیاستی را براساس فرضیه تولید بالقوه ثابت بررسی می‌کنند. بطوری‌که فرض می‌شود تکنولوژی، موجودی سرمایه و نیروی کار بدون تغییر است. تمرکز تحلیلی این است که آیا سیاست مالی اقتصاد را به سمت اشتغال کامل نزدیک‌تر می‌کند و چگونه ترکیب تولید را تغییر می‌دهد (Blinder and Solow 1973, Christ 1968, Godley and Lavoie 2007).

تمایز بین کوتاه مدت و میان مدت مربوط به اثرات تغییرات دارایی‌های مالی ناشی از کسری بودجه است. از آنجایی که کسری بودجه باید تأمین مالی شود، که این امر منجر به ایجاد دارایی‌های مالی می‌شود. تجزیه و تحلیل میان مدت اثرات تغییر در موجودی مالی به چگونگی تأمین مالی کسری بودجه مربوط می‌شود. به این دلیل که روش تأمین

خرد (اعمال مالیات و مخارج دولت در توابع مطلوبیت و تولید) هنوز هم مسائل تحلیلی برای کنترل وجود دارد. اولین و مهم‌تر از همه، انواع دیدگاه‌های اقتصاد کلان (نئو کینزی، کینزی و پست کینزی، پولیون، کلاسیک، کلاسیک جدید و کینزی جدید) است. دوم، سوال در مورد سیاست‌های مالی براساس مالیات یا مخارج دولت است. این باعث ایجاد ماتریس 4×1 برای هر یک از دیدگاه‌های اقتصاد کلان می‌شود که

برای هر سلول جهت تغییر تولید واقعی (Δy)، سطح قیمت (Δp)، نرخ بهره اسمی (Δi)، دستمزد اسمی (Δw) و دستمزد واقعی ($\Delta(w/p)$) بررسی می‌شود. فرض بر این است که اشتغال در همان مسیر تولید تغییر می‌کند. علاوه بر این، تورم ثابت فرض می‌شود به طوری که در نظر گرفته می‌شود که نرخ بهره واقعی هم جهت با نرخ بهره اسمی حرکت می‌کند.

جدول ۱- پیچیدگی بحث‌های نظری مربوط به اثرگذاری سیاست مالی بر اقتصاد (کوتاه مدت)

تأمین مالی از طریق پول نقد		تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه			
کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت		
$\Delta y \geq 0$	$\Delta y \geq 0$	$\Delta y \geq 0$	$\Delta y \geq 0$	- نئوکینزینی	مکاتب:
$\Delta p \leq 0$	$\Delta p \leq 0$	$\Delta p \leq 0$	$\Delta p \leq 0$	- کینزینی و پست کینزینی	مکاتب:
$\Delta i \leq 0$	$\Delta i \leq 0$	$\Delta i \leq 0$	$\Delta i \leq 0$	- مانیتاریستها	
$\Delta w \leq 0$	$\Delta w \leq 0$	$\Delta w \leq 0$	$\Delta w \leq 0$	- کلاسیکی	
$\Delta(w/p) \leq 0$	$\Delta(w/p) \leq 0$	$\Delta(w/p) \leq 0$	$\Delta(w/p) \leq 0$	- کلاسیکی جدید	
				- کینزی جدید	

(Palley, 2012)

و افزایش ارزش ثروتی شوند (Tobin, 1969, 1982) در مقابل، اوراق قرضه باید قبل از خرج کردن فروخته شده و تبدیل به پول نقد شود تا بتوان آن را مصرف کرده و با دارایی‌های دیگر خریداری کرد که این امر نیز می‌تواند نرخ بهره اوراق قرضه را افزایش دهد.

۲- در تمام موارد، اجرای سیاست مالی مبتنی بر مخارج دولت در واکنش به AD قوی‌تر از سیاست مالی مبتنی بر مالیات است. این به این دلیل است که هر واحد اضافی مخارج دولت یک واحد کامل به AD می‌افزاید، در حالی که کاهش مالیات از طریق فیلتر کردن مخارج مصرفی اجرا می‌شود و ممکن است بخشی یا همه این کاهش مالیات پس‌انداز شده و خرج نشود.

- الگوهای اقتصاد کلان و اثرات کوتاه مدت سیاست مالی

این بخش بررسی اثرگذاری کوتاه مدت سیاست مالی در شش دیدگاه مختلف نظری اقتصاد کلان بررسی می‌کند. به منظور جلوگیری از تلفیق مطالب با مباحث اقتصاد خرد فرض می‌شود: اولاً، مالیات‌ها به صورت یکجا هستند. ثانیاً، مخارج دولت اثری بر تابع تولید کل ندارد. ثالثاً، مخارج دولت

اگر چه دیدگاه‌های اقتصادی کلان در ارزیابی سیاست‌های مالی متفاوت است، ولی آنها دو قضیه را در رابطه با تاثیر آن بر AD بیان می‌کنند:

۱- بدلیل اهمیت فرضیه نئوریکاردویی (NRH^1) در بحث‌های پیرامون اثرگذاری سیاست‌های مالی، با بهره‌گیری از آن، نحوه تأمین مالی سیاست‌های مالی (اوراق قرضه و پول نقد) مورد بررسی قرار گرفتند. بر همین اساس چون در تمام دیدگاه‌های کلان اقتصادی، سیاست مالی تأمین مالی شده از طریق پول نقد، همواره در واکنش به AD، نسبت به تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه اثر بزرگتری می‌گذارد. چون اگر پول نقد سیاست مالی را تأمین مالی کند، عموم مردم پول اضافی در دست دارند. ولی اگر انتشار اوراق قرضه سیاست مالی را تأمین کند، عموم مردم اوراق قرضه اضافی در دست خود دارند. پول اضافی انعطاف‌پذیری بیشتری دارد، به این دلیل که مردم می‌توانند به طور مستقیم از طریق کانال مانیتاریست آن را خرج کنند (Palley, 1997) یا دارایی‌های دیگر خریداری کنند و سبب کاهش نرخ بهره

$$\Delta i > 0, \Delta p > 0$$

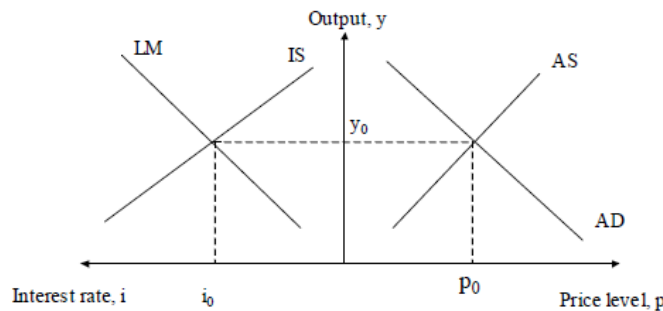
افزایش نرخ بهره، تاثیر سیاست مالی را کاهش می‌دهد که این مورد هسته بحث در مورد اثر جایگزینی جبری مالی^{۱۲} است. با توجه به فرضیه دستمزد ثابت اسمی نئو کینزی، دستمزد واقعی کاهش می‌یابد ($\Delta w = 0, \Delta(w/p) < 0$). در بازار کار، فرض این است که اقتصاد روی منحنی تقاضای نیروی کار است (تولید نهایی نیروی کار)، اما از عرضه کل نیروی انسانی کمتر است، به طوری که کارگران به جهت حمایت از افزایش تولید در دسترس هستند و لذا با وجود این واقعیت دستمزد واقعی کاهش می‌یابد. با توجه به شرط ۲، اگر سیاست مالی به صورتی اجرا شود که اوراق قرضه مخارج دولت را تأمین مالی کند، تمام این اثرات بزرگتر خواهد بود، زیرا این امر موجب تغییرات بیشتر منحنی‌های IS و AD می‌گردد.

مطلوبیتی برای خانوارها ایجاد نمی‌کند. این مفروضات باعث تمرکز بر اولین زمینه از بحث سیاست‌های مالی می‌شود که در مورد اثر سیاست مالی بر AD و اثر AD بر تولید است.

الف) الگوی نئو کینزی

نقطه شروع تجزیه و تحلیل^{۱۱} IS-LM الگوی نئو کینزی، هرچند که توسط الگوهای مختلف مورد انتقاد قرار می‌گیرد، در واقع رابط بین همه الگوها است. شکل (۲) نمودارهای معمولی IS-LM و AS-AD^{۱۱} را نشان می‌دهد. انشار اوراق قرضه تأمین مالی کننده کاهش مالیات، منحنی IS را به سمت چپ و منحنی AD را به سمت راست انتقال می‌دهد، چون کاهش مالیات به AD می‌افزاید، همان‌طور که اثر ثروت توسط انتشار اوراق قرضه تأمین مالی کننده ایجاد می‌شود. لذا تولید، نرخ بهره و سطح قیمت افزایش می‌یابد ($\Delta y > 0$).

شکل ۲- نمودارهای IS-LM و AS-AD برای الگوی نئوکینزی



(Tobin and Buiter, 1976)

کاهش می‌یابد. با این حال، نرخ بهره ممکن است کمتر افزایش یابد و یا حتی ممکن است کاهش یابد (Tobin and Buiter, 1976).

اگر سیاست مالی توسط پول تأمین مالی شود، منحنی LM نیز به سمت چپ منتقل می‌شود. با توجه به قضیه اول، تاثیر در AD بزرگتر است بنابراین تولید و سطح قیمت بیشتر افزایش می‌یابند و دستمزد واقعی نیز بیشتر

جدول ۲- اثرگذاری سیاست مالی کوتاه مدت در الگوی نئوکینزی

تأمین مالی از طریق پول نقد		تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه		الگوی نئوکینزی
کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	
$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	
$\Delta p > 0$	$\Delta p > 0$	$\Delta p > 0$	$\Delta p > 0$	
$\Delta i \leq 0$	$\Delta i \leq 0$	$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	
$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	
$\Delta(w/p) < 0$	$\Delta(w/p) < 0$	$\Delta(w/p) < 0$	$\Delta(w/p) < 0$	

(Palley, 2012)

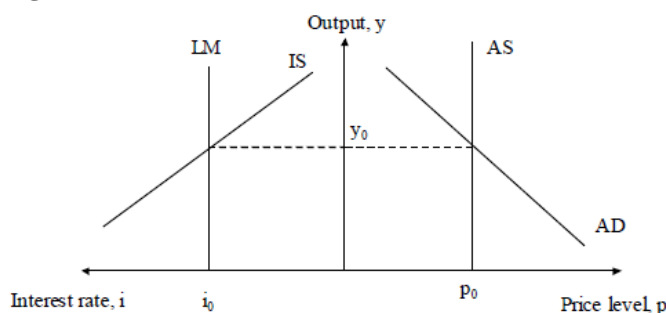
شکل (۳) نمودارهای IS-LM و AS-AD را برای

ب) الگوی پست کینزینی^{۱۳}

که بانک مرکزی همیشه نرخ بهره بازار را تعیین می‌کند و باید از هر عرضه پولی که سیستم بانکی ارائه می‌کند، حمایت کند. افقی بودن منحنی AS نیز منعکس کننده رفتار قیمت‌گذاری مدل کالسکی^{۱۴} است.

یک اقتصاد پست کینزینی نشان می‌دهد. نمودار پیش‌بینی‌های اصلی دیدگاه پست کینزینی را نشان می‌دهد که با منطق اصلی اقتصاد خرد متفاوت است. افقی بودن منحنی LM نیز منعکس کننده این واقعیت است

شکل ۳- نمودارهای IS-LM و AS-AD برای الگوی پست کینزینی



(Sargent, 1975)

معاملات شروع به افزایش می‌کند، مقامات پولی باید ذخایر اضافی را از طریق عملیات بازار باز به منظور هدف‌گذاری نرخ بهره و اطمینان سیستم پرداخت بانکی در جهت افزایش فعالیت بخش بانکی ارائه کنند.

از نظر وضعیت ترازنامه نهایی، از نظر مالی، تأمین مالی ترکیبی از پول و اوراق قرضه است. ترکیب نهایی به میزان افزایش فعالیت سیستم بانکی بستگی دارد و سیاست مالی که بیشتر توسط پول نقد تأمین می‌شود، فعالیت بانکی را افزایش می‌دهد. این گزاره منطق تئوری پولی مستقل را منعکس می‌کند که معتقدند عرضه پول توسط سیستم بانکی تعیین می‌شود. به این مفهوم که سیاست مالی نمی‌تواند عرضه پول را بدون توجه به نیازهای سیستم بانکی افزایش دهد و افزایش نهایی در عرضه پول بستگی به این دارد که چه میزان سیاست مالی باعث افزایش فعالیت بخش بانکداری می‌شود. (Moore, 1988 Dutt, 1986/7)

اوراق قرضه تأمین مالی کننده کاهش مالیات، منحنی IS را به سمت چپ و منحنی AD را به سمت راست انتقال می‌دهد. تولید افزایش می‌یابد ($\Delta y > 0$) اما نرخ بهره و سطح قیمت بدون تغییر هستند ($\Delta i = \Delta p = 0$) و همچنین دستمزد اسمی و واقعی نیز بدون تغییر می‌مانند ($\Delta w = \Delta (w/p) = 0$). طبق قضیه دوم در این الگو نیز اوراق قرضه تأمین مالی کننده مخارج دولت، بدلیل ضریب فزاینده بزرگتر، اثر انبساطی بزرگتری دارد.

یک ویژگی جالب در مورد الگوی پست کینزی این است که تمایز شدید بین نامین مالی اوراق قرضه و پول نقد ناپدید می‌شود. برای درک این ویژگی، در نظر بگیرید که تأمین مالی اولیه کاهش مالیات از طریق پول نقد انجام گیرد. این افزایش ذخایر نیز فشار اولیه رو به پایینی بر نرخ بهره وارد می‌کند. مقامات پولی باید اقدام به عملیات بازار باز تدافعی کنند تا بخشی از ذخایر خود را حفظ و در نتیجه نرخ بهره هدف را حفظ کنند. با این حال، هنگامی که درآمد، وام بانکی و تقاضا برای توازن

جدول ۳- اثرگذاری سیاست مالی کوتاه مدت در الگوی پست کینزینی

تأمین مالی از طریق پول نقد		تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه		الگوی پست کینزینی
کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	
$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	
$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	
$\Delta i = 0$	$\Delta i = 0$	$\Delta i = 0$	$\Delta i = 0$	
$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	
$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	

(Palley, 2012)

ج) الگوی مانیتاریستها (پول گرایان)

بحث در مورد اثرگذاری کوتاه مدت سیاست مالی، تاریخیچه طولانی در اقتصاد کلان دارد که مباحث مدرن این دیدگاه توسط میلتون فریدمن (۱۹۷۰) معرفی شد. در میان پست کینزینها فرضیه مستقل بودن عرضه پول بی اعتبار است، در میان کلاسیکهای جدید نیز، عدم توجه به طرف عرضه اقتصاد بی اعتبار است و خلاف اصل خنثایی پول است. با وجود ضعف فکری، مانیتاریستها اهمیت زیادی در تاریخ مکاتب دارند. زیرا به دلیل سوالاتی که در مورد اثرگذاری سیاست مالی مطرح شد، مانیتاریستها نقطه آغازی برای مخالفت با رضایت عمومی از نئوکینزیها شدند.

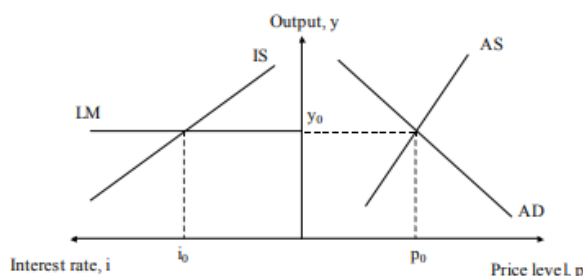
انتقاد مانیتاریستی از سیاستهای مالی در جملهی "پول همه چیز است" خلاصه می شود (شکل ۴). در

الگوی مانیتاریستها تولید براساس معادله فیشر تعیین می شود که بصورت ذیل نشان داده شده است

$$Y = MV/P$$

$V =$ سرعت پول. در مدل پول و اوراق قرضه هر دو ثروت خالص هستند. اوراق قرضه تأمین مالی کننده سیاست مالی (کاهش مالیات و یا افزایش خرید دولتی) منحنی IS را به سمت چپ انتقال می دهد، اما منحنیهای LM و AD بدون تغییر می مانند. در نتیجه، تولید، سطح قیمت، دستمزد اسمی و دستمزد واقعی همه بدون تغییر می مانند ($y = \Delta p = \Delta w = \Delta (w/p) = 0$). با این حال، نرخ بهره اسمی افزایش می یابد ($0 < \Delta i$). اوراق قرضه تأمین کننده سیاستهای مالی، بنابراین اثر جایگزینی کامل (در یک رفتار مشابه با دیدگاه خزانه داری سالهای دهه ۱۹۳۰ است) دارد که با الگوی کلاسیک کلان مرتبط است.

شکل ۴- نمودارهای IS-LM و AS-AD برای الگوی پول گرایان



(Friedman, 1970)

بنابراین مانیتاریستها، تأثیر کوتاه مدت سیاست مالی تأمین شده از طریق پول نقد را می پذیرند، اما اثرگذاری سیاست مالی تأمین شده از طریق اوراق قرضه را رد می کنند. با این حال، رد اثرگذاری سیاستهای مالی تأمین شده از طریق اوراق قرضه به طور کامل عرضه پول را بازگو می کند و هیچ ارتباطی با استدلالهای کلاسیکی (تولید ثابت) و یا نئو ریکاردویی (ثروت خالص و فرصت های مصرف بدون تغییر) ندارد (Friedman, 1970).

اگر سیاست مالی توسط پول نقد تأمین مالی شود، منحنیهای IS سمت چپ، LM بالا، و AD به راست منتقل می شوند. بنابراین تولید و سطح قیمت افزایش می یابد ($0 < \Delta y, 0 < \Delta p$)؛ تغییر در نرخ بهره مبهم است ($0 < \Delta i$)؛ دستمزد اسمی ثابت است ($\Delta w = 0$)؛ و دستمزد واقعی کاهش می یابد ($\Delta (w/p) < 0$). فرضیه های بازار کار همانند الگوی نئوکینزی هستند: شرکتها روی منحنی تقاضای کار هستند اما از عرضه کل نیروی انسانی کمتر است.

جدول ۴- اثرگذاری سیاست مالی کوتاه مدت در الگوی پول گرایان

تأمین مالی از طریق پول نقد	تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه
کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت
افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات

$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y = 0$	$\Delta y = 0$	الگوی مانیتاریست ها (پول گرایان)
$\Delta p > 0$	$\Delta p > 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	
$\Delta i \leq 0$	$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	
$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	
$\Delta(w/p) < 0$	$\Delta(w/p) < 0$	$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	

(Palley, 2012)

کامل (*y) شود. شکل (۵) هردو مرحله فرآیند تعیین سطح قیمت و تولید در الگوی کلاسیک را نشان می‌دهد. مرحله ۱، نیمه پایین شکل (۵)، شامل تعیین سطح تبادل کار و تولید و مرحله ۲، نیمه بالای شکل (۵)، شامل تعیین قیمت‌ها و نرخ‌های بهره اسمی مطابق با تصمیم تولید و ارز است.

کاهش مالیات تأمین مالی شده از طریق اوراق قرضه، منحنی IS را به سمت چپ و منحنی AD را به راست انتقال می‌دهد. سطح قیمت و نرخ بهره افزایش می‌یابد ($0 < \Delta i$, $0 < \Delta p$). دستمزد اسمی افزایش می‌یابد ($0 < \Delta w$) تا دستمزد واقعی را بدون تغییر باقی گذارد ($\Delta(w/p) = 0$)، و همچنین تولید نیز بدون تغییر می‌ماند ($\Delta y = 0$). منطق دقیق برای مخارج دولت تأمین مالی شده از طریق اوراق قرضه، همان است. فقط تغییرات منحنی‌های IS و AD بزرگتر هستند چرا که هیچ یک از تزریق‌های اولیه مالی ذخیره نمی‌شود.

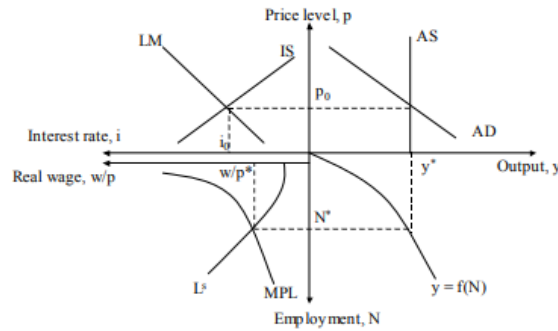
با تولید ثابت و غیرقابل واکنش به تغییرات در AD، سیاست مالی انبساطی تأثیر بر روی تولید ندارد و تنها سطح قیمت و نرخ بهره را تغییر می‌دهد. با این حال هر زمانی که مخارج دولت افزایش یابد، فعالیت بخش خصوصی (مصرف و سرمایه‌گذاری) باید کاهش یابد به طوری که سیاست مالی ترکیب تولید را تغییر دهد. این همان منطق رسوای دیدگاه خزانه‌داری از دهه ۱۹۳۰ است که سیاست مالی انبساطی را رد می‌کند، اما این منطق با شرط تولید در سطح اشتغال کامل برقرار است.

این ویژگی‌ها، مانیتاریستها را یک شکل خاصی از کینزین‌ها می‌سازد. کینزینی به این مفهوم که پول نقد تأمین کننده در حال افزایش در AD، تولید را بطور پایداری افزایش می‌دهد. با این حال، اقتصاد گریبان‌گیر پول مستقل و برون‌زا قرار می‌گیرد. این گریبان‌گیری بدین معنی است که اوراق قرضه تأمین کننده سیاست مالی اثر جایگزینی کامل (که یک پیش‌بینی قابل مشاهده معادل با دیدگاه خزانه‌داری همراه با الگوی کلان کلاسیک است) ایجاد می‌کند. این نشان دهنده وضعیت ناگوار مانیتاریستها بین اقتصاد کلان کینزین‌ها و کلاسیک‌ها است.

د) الگوی کلاسیک

الگوی کلان کلاسیک هسته جایگزین الگوی کینزی را تشکیل می‌دهد. ویژگی اصلی در مورد الگوی کلاسیک برابری تولید با تولید سطح اشتغال کامل، *y است. بنابراین سیاست مالی می‌تواند AD را تحت تأثیر قرار دهد اما AD نمی‌تواند بر تولید تأثیر گذارد. در نتیجه، هرگونه تأثیرات سیاست مالی محدود به فعالیت در سطح قیمت (p) و نرخ بهره (i) می‌باشد. الگوی کلاسیک که در شکل (۵)، نشان داده شده است شامل مجموعه‌ای از توابع تولید ($y = f(n)$) و بازار کار با عرضه (Ls) و منحنی تقاضا (منحنی تقاضا همان تولید نهایی نیروی کار (MPL)) است. تولید در سطح اشتغال کامل ثابت است و لذا AS بصورت عمودی ارائه می‌شود. سطح قیمت و نرخ بهره تعدیل می‌شوند تا AD برابر با تولید اشتغال

شکل ۵- نمودارهای IS-LM و AS-AD برای الگوی کلاسیک



(Sargent, 1975)

بازار دارایی‌های قابل پرداخت برای تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ایجاد شود. تولید و دستمزد واقعی بدون تغییر می‌مانند ($\Delta y = \Delta(w/p) = 0$)، اما دستمزد اسمی افزایش می‌یابد تا دستمزد واقعی را بدون تغییر باقی بگذارد ($0 < \Delta w$) (Sargent, 1979).

اگر پول نقد تأمین کننده کاهش مالیات باشد، منحنی IS به سمت چپ، LM به سمت راست، و AD نیز به سمت راست انتقال می‌یابد. در نتیجه قیمت‌ها افزایش ($0 < \Delta p$)، نرخ بهره نیز افزایش می‌یابد ($0 < \Delta i$). زیرا افزایش AD باعث شده است که نرخ بهره بالاتری در

جدول ۵- اثرگذاری سیاست مالی کوتاه مدت در الگوی کلاسیکی

تأمین مالی از طریق پول نقد		تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه		الگوی کلاسیکی
کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	
$\Delta y = 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y = 0$	$\Delta y = 0$	
$\Delta p > 0$	$\Delta p > 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	
$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	$\Delta i > 0$	
$\Delta w > 0$	$\Delta w > 0$	$\Delta w = 0$	$\Delta w = 0$	
$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	$\Delta(w/p) = 0$	

(Palley, 2012)

خطاها موقت است زیرا عوامل عمکرد و علت را با توجه به انتظارات عقلانی یاد گرفته و تغییر می‌دهند. با این حال، خطاها به معنی سیاست می‌تواند اثرات موقت داشته باشد که در الگوی کلان کلاسیک وجود ندارد. این «نوآوری» در اقتصاد کلان کلاسیک جدید است.

غافل‌گیری سیاستی، الگوی کلاسیک جدید را عمدتاً هم سطح با کینزینی ارائه می‌دهد که می‌تواند اثراتی را ایجاد کند که تقلید کننده پیش‌بینی‌های کینزینی است. این مسیر بحث را نیز تغییر می‌دهد. در حالی که بحث سیاست‌های کینزی در مقابل سیاست‌های کلاسیک در عبارت "اثر در مقابل عدم اثر"، ایجاد می‌شود ولی بحث سیاست‌های کینزی در مقابل سیاست کلاسیک جدید در عبارت "اثرات دائمی در مقابل موقت" احیا می‌شود.

پیش‌بینی الگوی کلاسیک جدید را می‌توان با استفاده از شکل (۵) نشان داد که الگوی کلاسیک را نیز

ه) الگوی کلاسیک جدید

اقتصاد کلان کلاسیک جدید که در دهه ۱۹۷۰ جایگزین مانیتاریستها شد، نشان دهنده احیا و گسترش اقتصاد کلان کلاسیک است که همانند الگوی اقتصاد کلان کلاسیک با تأیید خنثی بودن پول، مخالف عقاید مانیتاریسم بودند. این الگوی نیز با معرفی نااطمینانی (در الگوی‌سازی شرایط احتمالی) و انتظارات عقلانی اقتصاد کلان کلاسیک را گسترش دادند. اگر نااطمینانی را کنار گذاشته و انتظارات عقلایی با چشم‌انداز کامل جایگزین شود، الگوی کلاسیک جدید با الگوی کلاسیک یکسان می‌شود.

تمرکز اصلی اقتصاد کلان کلاسیک جدید، عدم اطمینان در مورد سیاست‌های اقتصادی و به ویژه سیاست پولی است که این به "غافل‌گیری سیاستی" منجر می‌شود که باعث "خطاهای انتظاری" می‌شود. این

توصیف می‌کند. اثرات اوراق قرضه و پول نقد مورد انتظار تأمین مالی کننده سیاست مالی با پیش‌بینی‌های الگوی کلاسیک بحث شده در بخش سوم یکسان است.

از آنجا که سیاست پولی تا حدودی محرمانه است، مفهوم غافل‌گیری سیاست پولی حساس است با این وجود، به این دلیل که سیاست مالی قانونی و شفاف‌تر است. مفهوم غافل‌گیری سیاست مالی، کمتر اهمیت دارد. در نتیجه، سیاست مالی در الگوی کلاسیک جدید به سیاست مالی در الگوی کلاسیک تنزل می‌یابد و اثر جایگزینی جبری "دیدگاه خزانه‌داری" را ایجاد می‌کند.

اگر غافل‌گیری سیاست مالی امکان‌پذیر باشد، پیش‌بینی‌ها به شرح زیر خواهند بود:

الف) اوراق قرضه (سیاست غافل‌گیرانه) تأمین مالی کننده کاهش مالیات و افزایش مخارج دولت هر دو منحنی IS را به سمت چپ و AD را به سمت راست انتقال می‌دهند. به طوری که سطح قیمت و نرخ بهره افزایش می‌یابد ($0 < \Delta p$, $0 < \Delta i$). شرکت‌ها همچنین دستمزد اسمی بالاتری را پیشنهاد می‌دهند ($0 < \Delta w$) و کارگران با وجود اینکه دستمزد واقعی کاهش می‌یابد، ساعات کار بیشتری را عرضه می‌کنند. آنها این کار را انجام می‌دهند، زیرا دستمزد اسمی بالاتر را به اشتباه بعنوان دستمزد واقعی بالاتر تفسیر می‌کنند و این سبب می‌شود تا تولید به طور موقت افزایش یابد. در واقع، غافل‌گیری سیاست مالی، کارگران را در همان مسیر غافل‌گیری سیاست پولی فریب می‌دهد، همان‌گونه که سیاست پولی را شگفت‌زده می‌کند. با این حال، هنگامی که کارگران متوجه شوند دستمزد واقعی افزایش نیافته است، عرضه نیروی کار، و دستمزد و تولید واقعی به سطوح اولیه آنها باز می‌گردند. هنگامی که غافل‌گیری توسط کارگران درک شود، همه چیز سطح قیمت و نرخ بهره در سطح بالاتر باقی می‌ماند، همان‌طور که در الگوی کلاسیک است.

ب) پول نقد (سیاست غافل‌گیرانه) تأمین مالی کننده کاهش مالیات و افزایش مخارج دولت هر دو منحنی IS را به سمت چپ، منحنی LM را به سمت راست و منحنی AD را نیز به سمت راست انتقال می‌دهند. لذا محرک‌های پولی، سبب انتقال بیشتر AD نسبت به

محرک‌های اوراق قرضه می‌شود. جهت تغییرات y , p , w و w/p با تأمین مالی از طریق اوراق قرضه یکسان است، اما افزایش در y , p و w بزرگتر است، بنابراین w/p سقوط می‌کند. هنگامی که غافل‌گیری سیاستی تشخیص داده شود، دستمزد واقعی و تولید به سطح اولیه خود باز می‌گردند و تأثیرات مداوم سیاستی، همانند الگوی کلاسیک است. یکی از نکات نهایی مربوط به سیاست مالی تثبیت کننده خودکار است. الگوی کلاسیک جدید، مانند الگوی کلاسیک، که سیاست پولی و مالی اختیاری را انکار می‌کند (که اثرات تولیدی پایداری دارد) غافل‌گیری سیاست پولی و مالی اختیاری می‌تواند افزایش موقتی در تولید ایجاد کند. اما این افزایش‌ها زمانی که عوامل غافل‌گیری سیاستی راتشخیص دادند معکوس می‌شوند. با این حال، کاهش مالیات از طریق مکانیسم تثبیت کننده خودکار می‌تواند به طور مداوم تثبیت تولید را منجر شود (McCallum and Whitaker, 1979).

این بدین دلیل است که چنین کاهش مالیاتی به شوک‌های تقاضای اسمی غافل‌گیر وابسته است و در نتیجه کاهش مالیات از شوک‌های غافل‌گیری تقلید می‌کند که نمی‌تواند توسط عوامل پیش‌بینی شده و جبران شود. در الگوی کلاسیک جدید شوک‌های تقاضای اسمی غافل‌گیر باعث ایجاد اشتباهات در شوک‌های سطح قیمت و شوک‌های قیمت نسبی می‌شود که باعث تغییر عرضه کل می‌شوند. اگر کاهش مالیات به شوک تقاضای اسمی گره خورده باشد، به منظور خنثی کردن شوک، مانع از تاثیرگذاری سطح قیمت، قیمت نسبی و تولید جلوگیری می‌شود. در نتیجه، اگر کاهش مالیات از طریق تثبیت کننده‌های خودکار اجرا شود، تولید را تثبیت کرده و به طور دائم نوسانات تولید را کاهش می‌دهند. این بدین معنی است که در الگوی کلاسیک جدید برای تثبیت کننده خودکار سیاست مالی جایگاهی وجود دارد. با این حال، سیاست مالی باید به غافل‌گیری بستگی داشته باشد و جایی برای سیاست‌های مالی غیرغافل‌گیرانه، که تلاش می‌کند تا به طور دائمی تولید را همانند الگوهای کینزی افزایش دهد، وجود ندارد.

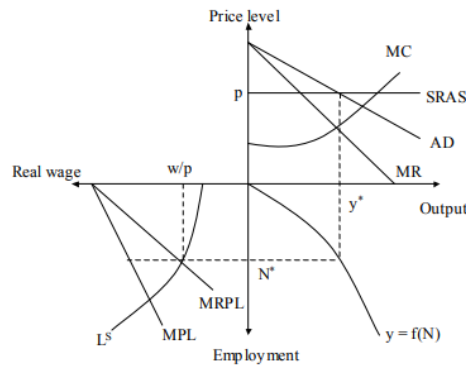
و) الگوی کینزی جدید

اگر چه این الگوها کینزی نام گذاری شده‌اند، اما بهتر

MRPL برابر با دستمزد واقعی (w/p) است. بخش جنوب شرقی یک تابع تولید مقعر استاندارد را نشان می‌دهد که اشتغال و تولید را پیوند می‌دهد. این منطق تعیین اشتغال و تولید با الگوی کلاسیک جدید یکسان است. خانوارها و شرکت‌ها تصمیم می‌گیرند برای مبادله و تولید چقدر کوشش کنند تا تولید براساس پیش‌بینی‌های دستمزد واقعی و تشخیص دستمزد واقعی (که براساس شرایط رقابتی انحصاری تعدیل شده است)، تعادل بلندمدت دستمزد واقعی، سطح اشتغال طبیعی (N^*) و تولید (y^*) را تعیین کنند.

است به عنوان الگوهای کلاسیک جدید با مفروضات اضافی چسبندگی قیمت موقت و رقابت انحصاری بیان شوند. فرضیه کلیدی چسبندگی موقتی قیمت و رقابت انحصاری، بیشتر یک زینت دهنده است که فرضیه چسبندگی قیمت را توجیه می‌کند. شکل (۶) عملکرد الگوی کینزی جدید را نشان می‌دهد. ربع جنوب غربی بازار نیروی کار را نشان می‌دهد که تنها تفاوتش با الگوی کلاسیک جدید این است که شرکت‌ها دارای رقابت ناقص هستند، بنابراین تولید نهایی نیروی کار (MPL) با درآمد نهایی تولید نیروی کار (MRPL) همراه می‌شود. شرکت‌ها سطح اشتغال را مقداری انتخاب می‌کنند که

شکل ۶- نمودارهای IS-LM و AS-AD برای الگوی کینزی جدید



(Rotemberg, 1987)

تعدیلات قیمتی در طول زمان رخ می‌دهد. این یک منحنی عرضه کل دوره کوتاه مدت ($SRAS^{15}$) افقی را ایجاد می‌کند که به موجب آن شرکت‌ها کل تقاضای در سطح قیمت ثابت را، برای مدت زمان دوره‌ای قیمت، می‌پذیرند (Rotemberg, 1987).

چندین ویژگی با توجه به الگوی کینزی جدید وجود دارد: (Dullien, 2011).

اولاً، منطق تولید و اشتغال با الگوی کلاسیک جدید یکسان است، تنها تفاوت این است که شرکت‌ها رقابت انحصاری هستند، نه کاملاً رقابتی. نقش رقابت انحصاری برای توجیه بهتر معرفی قیمت‌های انعطاف‌ناپذیر است.

ثانیاً، یک سطح طبیعی از تولید و اشتغال وجود دارد که اقتصاد برگشت می‌کند. شوک‌های تقاضای بین فواصل تعدیلات قیمتی می‌توانند در طول زمان بر SRAS اقتصاد در جهت بالا یا پایین تولید طبیعی فشار وارد کنند. با این حال،

ربع شمال شرقی بازار کالا را نشان می‌دهد که شامل منحنی AD استاندارد است که حاوی قانون نرخ بهره پولی اختیاری است. این نرخ بهره اسمی در طول منحنی AD بدون تغییر باقی می‌ماند (در صورتی که مقامات پولی نرخ بهره اسمی ثابتی را مورد هدف قرار دهد). اگر طبق یک تابع واکنش "انحراف بر ضد باد"، زمانی که اقتصاد روی منحنی AD به سمت پایین حرکت می‌کند، نرخ بهره اسمی افزایش یابد. این به مفهوم پرشیب شدن منحنی AD تحت این رژیم است. در این دیدگاه علاوه بر منحنی AD، منحنی‌های درآمد نهایی (MR) و هزینه نهایی نیز (MC) وجود دارد. با توجه به تصمیم‌گیری در مورد تولید و اشتغال و اشاره به دستمزد واقعی، شرکت‌ها سطح قیمت را از برابری تقاضای مورد انتظار با تولید (y^*) تعیین می‌کنند که همان نقطه‌ای است که MR برابر MC است. در نهایت، با تنظیم قیمت‌ها، شرکت‌ها محدود می‌شوند با قیمت‌های چسبنده برای مدت زمانی که

اشتغال افزایش یافته ($0 < \Delta y, 0 < \Delta N$) و سطح قیمت ثابت می‌ماند ($\Delta p = 0$)؛ و دستمزد اسمی و واقعی نیز افزایش می‌یابند ($0 < \Delta w, 0 < \Delta (w/p)$). تغییر در نرخ بهره به تابع واکنش مقامات پولی بستگی دارد (نرخ بهره ($0 < \Delta i$) افزایش می‌یابد، اگر مقامات پولی براساس فرضیه متعارف تابع واکنش عمل کنند).

انتشار اوراق قرضه پیش‌بینی نشده برای تأمین مالی مخارج دولت تغییرات مشابهی با کاهش مالیات ایجاد می‌کند، اما مقیاس تغییرات در مخارج دولت بزرگتر است. این به این علت است که مخارج دولت تاثیر بیشتری بر AD و MR نسبت به کاهش مالیات دارند (قضیه ۲).

پول نقد پیش‌بینی نشده برای تأمین کاهش مالیات و افزایش مخارج دولت نیز منحنی‌های AD و MR را به سمت راست انتقال داده و همان الگوی تغییرات را ایجاد می‌کنند. میزان اثرگذاری سیاست مالی انبساطی تأمین شده از طریق پول نقد نسبت به سیاست مالی انبساطی تأمین شده از طریق انتشار اوراق قرضه بیشتر است (قضیه ۱).

ویژگی مهم این است که تمام این نتایج به ثابت بودن قیمت‌ها بستگی دارد. هنگامی که شرکت‌ها می‌توانند قیمت‌های خود را بازنشانی کنند، آنها از اثرات سیاست مالی AD استفاده می‌کنند، قیمت خود را بالا می‌برند و اقتصاد را به سطح اشتغال طبیعی (N^*) و تولید (Y^*) باز می‌گردانند. بر خلاف الگوهای کینزی، سیاست مالی تنها موقتا موثر است و باید پس از اینکه قیمت‌ها ثابت شدند و نمی‌توانند تغییر کنند، اجرا شود. سیاست مالی برای مدت کوتاهی موثر خواهد بود اگر چسبندگی قیمت کوتاه مدت باشد و برای مدت طولانی موثر خواهد بود اگر چسبندگی قیمت طولانی مدت باشد. مطابق با پیش‌بینی‌های الگوهای کلاسیک و کلاسیک جدید، اگر سیاست مالی انبساطی یا انقباضی در زمان تنظیم قیمت اجرا شود، به طور کامل بوسیله افزایش یا کاهش قیمت خنثی می‌شود. در نهایت، سیاست مالی که به شوک‌ها واکنش می‌دهد، همچنین می‌تواند تولید را در الگوی کینزی جدید بوسیله خنثی کردن شوک‌های تقاضای پیش‌بینی نشده تثبیت کند (McCallum and Whitaker, 1979).

هنگامی که شرکت‌ها می‌توانند قیمت‌ها را بازنشانی کنند، این کار را انجام می‌دهند به طوری که اقتصاد به تولید طبیعی باز می‌گردد. این مکانیسم‌های تعیین تولید طبیعی باید مشخص کند که الگوی کینزی جدید اساسا همان الگوی کلاسیک جدید با چسبندگی قیمت موقت است. در اصل شرکت‌های کاملا رقابتی نیز می‌توانند هزینه‌های فهرست شده را تحت پوشش قرار داده و قیمت‌ها می‌توانست فقط برای برخی دوره‌ها چسبیده باشد. در این صورت الگوی کلاسیک جدید تقریبا مشابه نتایج الگوی کینزی جدید ایجاد می‌شود که اختلافات در اشتغال و تولید طبیعی است که به دلیل عدم وجود تحریف همراه با رقابت ناقص اندکی بیشتر خواهد بود.

ثالثا، نتایج اشتغال همواره روی منحنی عرضه نیروی کار قرار دارد که منعکس کننده این باور است که خانوارها همیشه مطلوبیت را به حداکثر می‌رسانند. اگر تقاضا افزایش یابد، شرکت‌ها دستمزد اسمی خود را برای جذب بیشتر نیروی کار افزایش می‌دهند و دستمزد واقعی افزایش می‌یابد (زیرا قیمت‌ها ثابت می‌شوند). اگر تقاضا کاهش یابد، شرکت‌ها دستمزدهای اسمی خود را پایین می‌آورند زیرا به کار کمتری نیاز دارند و دستمزد واقعی کاهش می‌یابد (زیرا قیمت‌ها ثابت می‌شوند). مفهوم این عملکردها بیکاری کلان کینزی نیست بلکه فقط بیکاری خرد اصطلاحی وجود دارد.

همانند الگوی کلاسیک جدید، تنها نوع سیاستی که بر تولید تاثیر می‌گذارد سیاست پیش‌بینی نشده است. سیاستی که سیستماتیک و پیش‌بینی شده باشد انتظارات در داخل AD ترکیب می‌شود که سطح اولیه قیمت و دستمزد اسمی را تعیین می‌کند و بر روی تولید تأثیری ندارد، زیرا سیاست‌های پیش‌بینی شده MPL ، $MRPL$ ، یا تابع عرضه نیروی کار را تحت تاثیر قرار نمی‌دهند.

معرفی چسبندگی قیمت‌ها یک پنجره‌ای ایجاد می‌کند که در آن مفهوم سیاست مالی پیش‌بینی نشده مطرح می‌شود. قیمت ثابت، زمانی وجود دارد که شرکت‌ها نمی‌توانند به تغییرات قیمت‌ها واکنش دهند. انتشار اوراق قرضه پیش‌بینی نشده برای تأمین کاهش مالیات، منحنی‌های AD و MR را به سمت راست انتقال می‌دهد. در نتیجه، تولید و

جدول ۶- اثرگذاری سیاست مالی کوتاه مدت در الگوی کینزی جدید

تأمین مالی از طریق انتشار اوراق قرضه		تأمین مالی از طریق پول نقد	
افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات	افزایش مخارج دولت	کاهش مالیات

$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	$\Delta y > 0$	الگوی کینزی جدید
$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	$\Delta p = 0$	
$\Delta i \geq 0$	$\Delta i \geq 0$	$\Delta i \geq 0$	$\Delta i \geq 0$	
$\Delta w > 0$	$\Delta w > 0$	$\Delta w > 0$	$\Delta w > 0$	
$\Delta(w/p) > 0$	$\Delta(w/p) > 0$	$\Delta(w/p) > 0$	$\Delta(w/p) > 0$	

(Palley, 2012)

۳) پیشینه تحقیق

به طور کلی، مبانی تئوریکی پیرامون تأثیرگذاری سیاست مالی بر بخش واقعی اقتصاد را می‌توان به دو الگوی فکری کینزی و غیرکینزی تقسیم نمود. الگوی غیرکینزی معتقدند با توجه به انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و عرضه ثابت پول، بدلیل اثر جایگزینی جبری هر افزایش مخارج دولت از طریق کاهش مخارج بخش خصوصی جبران شده و در نتیجه تأثیری بر سطح تولید نخواهد داشت (Ford, 2013).

در طرف مقابل، براساس دیدگاه کینزی و الگوی شکل گرفته پیرامون آن، سیاست مالی از کانال‌های تقاضا (افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات منجر به افزایش تقاضای مؤثر در دوران رکود اقتصادی خواهد شد که این به مفهوم تأثیرگذار بودن سیاست مالی بر طرف تقاضا و تولید دلالت می‌کند) و کانال عرضه نیز، (کینزین‌های جدید با اشاره به بازار رقابت انحصاری و چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها بر تأثیر انکارناپذیر سیاست‌های مالی بر بخش واقعی اقتصاد) اشاره می‌کنند (Greenwald & , Yang et al. 2012) Stiglitz 1987.

در مطالعات داخلی نیز مطالعات تجربی وسیعی، نحوه و میزان واکنش تولید و متغیرهای کلان اقتصادی به سیاست‌های مالی را مورد آزمون تجربی قرار داده‌اند (من جمله مطالعات غفاری و همکاران ۱۳۹۵، قوامی و همکاران، ۱۳۹۶، زندآور و همکاران، ۱۳۹۹ که به اثر مثبت افزایش مخارج دولت بر تولید و اثر منفی افزایش مالیات بر تولید اتفاق نظر دارند)، اما مطالعه‌ای که به صورت تئوریکی به بررسی اثرگذاری سیاست‌های مالی در الگوهای اقتصاد کلان بپردازد، در مطالعاتی که محقق انجام داد، یافت نشد.

۴) نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داده است که چگونه بحث در مورد

اثرگذاری کوتاه مدت سیاست مالی در دو مرحله تأثیر سیاست بر AD و تأثیر AD بر تولید انجام می‌شود تا بتوان فضایی برای سیاست مالی جهت تأثیرگذاری بر تولید را در الگوهای مورد بررسی ایجاد یا انکار کرد. در همین راستا با توجه به اهمیت روش تأمین مالی سیاست مالی (از طریق اوراق قرضه و یا پول نقد)، نیز اثرگذاری بکارگیری این روش‌ها بر AD و تولید، در هر یک از الگوها مقایسه و بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است:

- نئو کینزی، پست کینزی و مانیتاریستها می‌توانند به عنوان مدل کینزی یک رویکرد متداول تقاضای کل را برای تعیین تولید به اشتراک می‌گذارند؛ هیچ سطح طبیعی اشتغال وجود ندارد و نتایج برای چنین اقتصادی سنگین تمام می‌شود؛ و نتایج اشتغال زیر منحنی عرضه نیروی کار بدست می‌آید. هر دو پول نقد و انتشار اوراق قرضه تأمین کننده سیاست مالی، در الگوهای پست کینزی و نئوکینزی اثرات دائمی بر تولید و اشتغال دارند. با این حال، انتشار اوراق قرضه برای تأمین مالی سیاست مالی در الگوی مانیتاریستها تأثیری ندارد. زیرا براساس این دیدگاه "پول همه چیز است".

- الگوهای کلاسیک، کلاسیک جدید و کینزی جدید می‌توانند همه را به عنوان مدل کلاسیک یک رویکرد کلاسیکی را برای تعیین تولید به اشتراک می‌گذارند و یک سطح تولید و اشتغال طبیعی را دارند که اقتصاد آن را تحریک می‌کند. در الگوهای کینزی جدید و کلاسیک جدید کارگران همواره روی منحنی عرضه نیروی کار هستند. اما در الگوی کلاسیک جدید کارگران می‌توانند به علت انتظارات نادرست قیمتی روی منحنی عرضه نیروی کار قرار نگیرند. در الگوهای کلاسیک و کلاسیک جدید، سیاست‌های مالی اختیاری بر تولید و اشتغال تأثیر نمی‌گذارد و در الگوی کینزی جدید، می‌توانند به دلیل چسبندگی قیمت اثرات موقت داشته باشند.

- اگر چه الگوهای کینزی جدید می‌توانند برخی از

net wealth? Journal of Political Economy.

Bhatta, S.D and Drennan, M.P (2003). The economic benefits of public investment in transportation: A review of the recent literature, Journal of Planning and Education Research, 22.

Blinder, A (2008). Keynesian Economics. Concise Encyclopedia of Economics. 2nd Edition, Library of Economics and Liberty, Indianapolis.

Blinder, A.S and Solow, R (1973). Does Fiscal Policy Matter? Journal of Public Economics, 2 (4) (November).

Christ, C.F, A (1968). A simple macroeconomic model with a government budget restraint, Journal of Political Economy, 76.

Dullien, S (2011). The new consensus from a traditional Keynesian and Post Keynesian perspective: A worthwhile foundation for research or just a waste of time? Economie Appliquee, LXIV (1).

Dutt A.K (1986). Wage rigidity and unemployment: The simple diagramatics of two views, Journal of Post Keynesian Economics.

Ford, E (2013). The Effects of Fiscal Policy on Output in Belize. Thesis in Master of Science, Applied Economics, University of the West of England, Faculty of Business and Law.

Friedman, M (1970). A theoretical framework for monetary analysis, Journal of Political Economy, 78.

Godley, W and M (2007). Lavoie, Monetary Economics: An Integrated Approach to Credit, Money, Income, Production and Wealth, London: Palgrave/Macmillan.

Greenwald, B & Stiglitz, J. E (1987). Keynesian, New Keynesian and New Classical Economics, Oxford Economic Papers.

Keynes, J. M (1936). The General Theory of Employment, Interest, and Money, London: Macmillan.

McCallum, B.T and Whitaker, J.K (1979). The effectiveness of fiscal feedback rules and automatic stabilizers under rational expectations, Journal of Monetary Economics.

McCallum, B.T and Whitaker, J.K (1979).

اثرات سیاست مالی را از الگوهای کینزی تقلید کنند، اما تفاوت‌های عمیقی بین آنها وجود دارد. الگوهای کینزی اقتصاد را قادر می‌سازد تا به طور مداوم زیر سطح اشتغال کامل باشد به طوری که سیاست مالی همواره موثر است. الگوی کینزی جدید، هنگامی که قیمت‌ها می‌توانند بازنشانی شوند اقتصاد را به عنوان اقتصاد در حال بازگشت به اشتغال کامل می‌بیند، به طوری که سیاست مالی تنها موقتا، مشروط به شوک‌های غیرمنتظره تقاضا، موثر است. این تاحدودی توضیح می‌دهد که چرا کینزی‌های جدید می‌خواهند کسری بودجه را نسبت به کینزی‌ها نسبتا سریع ببینند، تا نشان دهند که چگونه نظریه‌ها، به مباحث سیاستی اشاره می‌کنند.

- نتایج حاصل از این مقاله مطابق با مطالعات انجام شده قبلی مبنای تئوریک پیرامون تأثیرگذاری سیاست مالی بر بخش واقعی اقتصاد را به دو الگوی فکری کینزی و غیرکینزی (کلاسیکی) تقسیم می‌کند که براساس الگوی کینزی سیاست مالی می‌تواند بر اقتصاد واقعی اثرگذارد اما براساس الگوی غیرکینزی سیاست مالی نمی‌تواند بر اقتصاد واقعی اثر گذارد.

منابع

زنداور، شادی، زندی، فاطمه، خضری، محمد & ربیعی، مهناز (۱۳۹۹). تبیین آثار غیرخطی ابزارهای سیاست مالی (با تأکید بر درآمدهای مالیاتی) دولت بر رشد اقتصادی ایران در دوره‌های رونق و رکود، فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی.

غفاری، هادی، نوری، معصومه، یونسی، علی (۱۳۹۵). سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن بر رشد اقتصادی کشور، پژوهشنامه اقتصاد کلان.

قوامی، هادی، شعبانی، محمد علی، رحیمی (۱۳۹۶). مقایسه تأثیر مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌های مستقیم بر رشد اقتصادی، همایش مالیات بر ارزش افزوده: فرصت‌ها و چالش‌ها، مشهد دانشگاه فردوسی مشهد.

Aschauer, D.A (1989). Is Public Expenditure Productive? Journal of Monetary Economics.

Barro, R. J (1974). Are government bonds

Rotemberg, J.J (1987). The new Keynesian microfoundations, NBER Macroeconomics Annual.

Sargent, T.J (1979). Macroeconomic Theory, New York: Academic Press.

Tobin, J and W.H. Buiter (1976). Long run effects of fiscal and monetary policy on aggregate demand, in J.L. Stein (ed.), Monetarism, Amsterdam: North Holland.

Tobin, J (1969). A general equilibrium approach to monetary theory, Journal of Money, Credit and Banking.

Tobin, J (1982). Money and finance in the macroeconomic process, Journal of Money, Credit and Banking.

Yang, W, Fidrmuc, J & Ghosh, S (2012). Macroeconomic Effects of Government Spending Shocks: New Evidence Using Natural Disaster Relief in Korea. CESifo Working Paper No. 3943

The effectiveness of fiscal feedback rules and automatic stabilizers under rational expectations, Journal of Monetary Economics.

Moore, B.J (1988). Horizontalists and Verticalists: The Macroeconomics of Credit Money, Cambridge: Cambridge University Press.

Palley, T. I (2012). Keynesian, Classical and New Keynesian Approaches to Fiscal Policy: Comparison and Critique, IMK Working Paper 96-2012, IMK at the Hans Boeckler Foundation, Macroeconomic Policy Institute

Palley, T. I (1997). Optimal monetary policy in the presence of a monetarist transmission mechanism, Economics Letters.

Reinhart, C.M and K.S. Rogoff (2008). This time is different: A panoramic view of eight centuries of financial, NBER working paper No.13882, March.

یادداشت‌ها

نمی‌تواند بر تولید واقعی اثرگذارد

¹¹Investment and Saving Equilibrium (IS) - Liquidity preference and Money supply Equilibrium (LM)

¹¹Aggregate Supply (AS)-Aggregate Demand (AD)

¹²financial crowding-out

¹³گروهی از اقتصاددانان که پس از کینز بوجود آمدند و دنبال کننده راه وی و تکمیل کننده نظریه کینزی بودند

¹⁴مدل کالسکی: بدلیل نادیده گرفتن متغیرهای پولی و مالی، به طور عمده بر روی نرخ بهره (به عنوان یک متغیر برون‌زا تعیین کننده سیاست‌های بانک مرکزی) و اعتبار بانک (که به صورت درون‌زا با تقاضای وام گیرندگان معتبر ایجاد شده)، تمرکز می‌کنند که همین امر باعث افقی شدن منحنی‌های LM و AS می‌شود.

¹⁵Short-Run Aggregate Supply Schedule (SRAS)

¹Aggregate Demand (AD)

اقتصاد واقعی بخشی از اقتصاد است که شامل کلیه مشاغل است که کالاها و خدمات را تولید و در بازار توزیع می‌کنند. بنابراین اقتصاد واقعی شامل شرکت‌ها، کالاهایی که تولید می‌کنند، زمین، املاک، تجهیزات و سایر کالاهای مرتبط با تولید و همچنین ارائه دهندگان خدمات می‌شود.

²Neo-Keynesian

³Post Keynesian

⁴Monetarist

⁵Classical

⁶New classical

⁷New Keynesian

⁹پیام سیاستی فرضیه نئوریکاردویی (The Neo-Ricardian Hypothesis) این است که سیاست مالی با تأمین مالی اوراق قرضه (به ویژه کاهش مالیات) احتمالاً نسبتاً ناکارآمد است و